Archive of SID.ir

نشریه علمی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی
دوره ۱۳، بهار ۱۴۰۱، شماره ۴۶
مقاله علمی ـ پژوهشی
صفحات ۲۶ ـ ۷

Scientific Journal
The History Of Islamic Culture and Civilization
Vol. 13, Spring 2022, No. 46
Scientific Research Article

نسبت تعالی ارزش‌ها و عدالت اقتصادی در عصر نبوی

سید محمدمهدی موسوی‌نژاد*
جواد سلیمانی امیری**

چکیده

این مقاله با رویکرد توصیفی و تحلیلی، تأثیر ارزش‌های معنوی را بر جریان عدالت اقتصادی و نیز نقش شکل‌گیری عدالت اقتصادی را در اعتلای ارزش‌ها به‌عنوانِ بخشی از وضعیت فرهنگی تاریخ عصر نبوی مورد تحقیق قرار می‌دهد. برای تحلیل، از مفهوم ارزش در دانش روانشناسیِ اخلاق، بهره گرفته و چینش مطالب با استفاده از مبحث عوامل انگیزشی در این دانش، رقم خورده است. ضمن آنکه پیش‌فرض کلامیِ روشنی داشته و اطلاعات با در نظر گرفتنِ نقش هدایت‌گری رسول‌الله ﷺ در تقویت باور و امید نسبت به هدایت تشریعی الهی، طرح گردیده‌اند. نتیجه چنین شد که ابتدا عدالت اقتصادی در عصر نبوی با واسطه ایجاد ارزش‌های معنوی در اثر تبلور باور نسبت به هدایت تشریعی الهی رخ داده و از سوی دیگر، این توان را داشت که مجدداً با تقویت باور فوق و تقویت بنیان حاکمیت توحیدی، زمینه‌ساز اعتلای ارزش‌ها گردد.

واژگان کلیدی

نسبت، عدالت اقتصادی، ارزش، اعتلای ارزش‌ها، عصر نبوی.

*. کارشناسی ارشد رشته مدرسی معارف، گرایش تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. mm.mn1363@gmail.com
**. دانشیار گروه تاریخ مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی ﷺ. (نویسنده مسئول) soleimani@qabas.net
دریافت: ۱۴۰۰/۳/۳ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۴

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

طرح مسئله

تحقیقاتی که مسئله عدالت اقتصادی در عصر نبوی و ارزش‌های مربوط به آن را بررسی کرده‌اند، غالباً براساس رویکرد جامعه‌شناختی بوده و این مسئله را متأثر از فرهنگ جامعه دانسته‌اند. اما به نقش فرهنگ‌سازی آن توجه ننموده‌اند. همچنین پیش‌فرض کلامی روشنی نداشته و جایگاه باورها و ارزش‌های توحیدی را در فرهنگِ مؤثر، بررسی نکرده‌اند. برای نمونه، مقاله آقایان حسین عبدالمحمدی و محمدعلی توحیدی با عنوان «نقش فرهنگ در توسعه اجتماعی با تأکید بر نقش باورها و ارزش‌های دینی (با مطالعه جامعه حجاز در عصر نبوی)» با رویکرد جامعه‌شناختی و فارق از مبنای کلامی روشن، ارزش‌های دینی را بخشی از فرهنگ جامعه عصر نبوی دانسته و تأثیر آن را در شکل‌گیری عدالت اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهد. همچنین مقاله سرکار خانم هدیه تقوی با عنوان «چالش سنت با دین در بُعد اقتصادی در عصر نبوی»، نقش ارزش‌های دینی در اجرای عدالت اقتصادی و چالش‌های شناختی و ارزشی آن در عصر نبوی را تحقیق کرده است. این مقاله نیز فارق از مبنای کلامی روشنی بوده و تنها رویکرد جامعه‌شناختی دارد. همچنین کتاب ***تاریخ تحلیلی اسلام*** (تألیف دکتر جواد سلیمانی) فراز و فرود شناخت‌ها و ارزش‌ها و نیز تأثیر آنها را بر کنش‌هایی چون عدالت گستری و اصلاح نظام اقتصادی از عصر جاهلی تا واقعه عاشورا، مورد بررسی قرار داده ولی مبنای جامعه‌شناختی داشته و با رویکرد کلامی مشخص و واضحی به مقوله عدالت اقتصادی، به‌عنوان عامل انگیزشی در شکل‌دهی فرهنگ بنیادی (توحیدی) جامعه توجه نشده است.

اما این مقاله در پی آن است که با یک رویکرد روان‌شناختی، یعنی با توجه به نقش انگیزشی عدالت اقتصادی، توان آن را در شکل‌دهی ارزش‌ها مورد سنجش قرار دهد. در بخش تبیین مفاهیم، پیرامون این رویکرد توضیح داده خواهد شد. باید توجه داشت که عدالت اقتصادی، ارزش‌های هماهنگ با فرهنگِ مؤثر در خود را گسترش می‌دهد. ما در تحقیق، برای نیل به فرهنگِ بنیادی که در این راستا ایفای نقش می‌کند، با پیش‌فرض کلامی مشخصی وارد بحث شده و به جنبه توحیدی اندیشه‌ها و ارزش‌ها پرداخته‌ایم. پیش‌فرض کلامی ما چنین است که باور و امید نسبت به هدایت تشریعی الهی، مهم‌ترین و ریشه‌ای‌ترین عامل در اعتلای ارزش‌هاست. ضمن اینکه این باور و امید از میان مراتب توحید، نزدیک‌ترین و مؤثرترین عامل در انتخاب انسان و بروز رفتار است. نیز باید توجه نمود که ارزش‌ها به هر اندازه که جنبه توحیدی داشته باشند، متعالی خواهند بود. یعنی ارزش‌های توحیدی که از توحیدباوری متأثر شده‌اند، متعالی هستند و در غیر این صورت، بهره‌ای از اعتلا

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

نخواهند داشت. لذا بدون بررسی وضعیت توحیدباوری و تأثیر آن بر ارزش‌ها، چگونه می‌توان تعالی ارزش ها را سنجید؟! و با عدم تحقیق در وضعیت باور به هدایت تشریعی الهی، نمی توان میزان توحیدباوری را مورد ارزیابی قرار داد. در پرتو اهمیت دادن به باور فوق، یک پیش‌فرض کلامی دیگر نیز برای ما حاصل می‌گردد که عبارتست از ضرورت توجه خاص رسول گرامی اسلام ﷺ به راهکارهای تقویت این باور برای اصلاح ارزش‌ها. این روش و استفاده از این پیش‌فرض ها به ما کمک می‌کند تا توان فرهنگ‌سازی عوامل انگیزشی چون عدالت اقتصادی در گسترش ارزش‌های توحیدی را مورد سنجش قرار دهیم.

هدف ما از این پژوهش، بررسی نقش ارزش‌های توحیدی در جریان عدالت اقتصادی و نیز سنجش توان عدالت اقتصادی در تقویت این ارزش‌ها در عصر نبوی است. در این تحقیق، تنها نقاط قوت در زمینه توحیدباوری، عدالت اقتصادی و ارزش‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند. لذا این مقاله، رویکرد آسیب‌شناسانه ندارد. زیرا محدودیتی که تألیف یک مقاله اقتضا می‌کند، مجالی برای توجه هم‌زمان به نقاط قوت و آسیب‌ها را فراهم نمی‌کند. همچنین تحقیق در نقاط مثبت و ارزش‌های متعالی که بخشی از وضعیت فرهنگی عصر نبوی را تشکیل می‌دهند، برای رسیدن به هدف ما کافی است.

تبیین مفاهیم کلیدی

واژه ارزش در علوم مختلف[۱] استفاده شده است. اما می‌توان «مطلوب بودن» را به‌عنوان مفهومی جامع و مشترک میان تمام این موارد، استخراج نمود.[۲] از منظر جامعه‌شناختی، به باورها و عقاید ریشه‌داری که گروه اجتماعی، هنگام سؤال از بدی‌ها و خوبی‌ها، برتری‌ها و کمال مطلوب به آن رجوع می‌کند، ارزش می‌گویند.[۳] در این تعریف، ارزش شامل نوعی از باورها[۴] است. اما بر نوعی دیگر از باورها[۵] که صحت و بطلان اطلاعات را مورد بررسی قرار می دهند، دلالتی ندارد. مفهوم ارزش در جامعه‌شناسی، بخشی از فرهنگ جامعه، نتیجه شناخت‌ها و حاصل تعاملات اجتماعی است.[۶] ولی در

---

۱. مانند جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، اخلاق، اقتصاد، حقوق، هنر، علوم سیاسی و ... .

۲. رضوانی، ***نظام اولویت‌بندی و سلسله مراتب ارزش های اخلاقی در قرآن***، ص ۱۸؛ مصباح یزدی، ***فلسفه اخلاق***، ص ۱۱۳ ـ ۱۰۹.

۳. کوئن، ***مبانی جامعه‌شناسی***، ص ۷۰.

۴. ایدئولوژی‌ها.

۵. جهان‌بینی‌ها.

۶. محلوجی، ***باز مرجعیت باورها و ارزش‌های جاهلی در سه دهه اول پس از رحلت رسول خدا*** ﷺ، ص ۲۰.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

روان‌شناسی اخلاق و بر اساس اندیشه فلسفی، منظور از ارزش‌های فـردی و اجتمـاعی، مرحلـه‌ای در سلسله عوامل انگیزشی است که در ابتدا و در بسیاری از مواقع، قبل از مرحله شناخت قرار مـی‌گیـرد. یعنی میل و مطلوبیت فطری که در انسان موجود است و از آن به احساس، گـرایش، عاطفـه، نیـاز و انگیزه درونی[۱] هم تعبیر می‌شود.[۲] که البته این تعبیرها به‌دلیل نزدیکی و ارتباط مفـاهیم ذکرشـده بـا مفهوم ارزش، به‌کار گرفته شده‌اند. در واقع، این قلب است که نخستین درک را در وجود انسـان رقـم می‌زند. قلب نیاز قوه احساس را دریافته و احساسات، گـرایش یـا ارزش‌هـایی را درون انسـان ایجـاد می‌کند.[۳] البته این ارزش‌ها در رشد و تغییر و تحول خود، از شناخت‌ها و رفتارهای فـردی و اجتمـاعی نیز تأثیر می‌پذیرند.[۴] ارزش‌ها به دو نوع کلی ارزش‌های مادی و ارزش‌های معنوی تقسیم می‌گردنـد. درک قوای نفس از نیازهای مادی، سبب بروز ارزش‌های مادی شده و فهم این قوا از نیازهای معنوی خویش، ارزش‌های معنوی را جلوه‌گر می‌سازند. لذا نوع فهم قلب، می‌تواند نوع ایـن ارزش‌هـا را رقـم بزند و یکی را بر دیگری برتری دهد. بنابراین مراد ما از ارزش، نوعی از باور نیسـت. بلکـه مفهـومی است که در گام نخست، معلول قوه احساس فرد و آحاد جامعه بوده و از باورهای قلبی، متأثر می‌شـود و در قالب گرایش ظهور می‌یابد. ارزش‌ها در گام دوم از شناخت‌هـا و رفتارهـای فـرد و جامعـه تـأثیر پذیرفته و ملکات نفسانی و نیز بخشی از فرهنگ جامعه را تشکیل می‌دهند. بنابراین ارزش، همواره با قوه احساس انسان ارتباط دارد و با وجود تأثیرپذیری از باورها، در قالب یک اعتقاد در نمـی‌آیـد. ایـن ارزش‌ها هرچند از رفتارها و شناخت‌ها تأثیر می‌پذیرند، اما جنبه قلبی و احساسی خود را حفظ می‌کنند و در همین قالب، در کنار شناخت‌ها عاملی مهم در انگیزش انسان‌ها هستند.

عامل اصلی که میزان درک قلب از نیازهای نفس را رقم می‌زند، وضـعیت توحیـد بـاوری اسـت. زمانی ارزش‌های مادی در فرد یا جامعه‌ای غلبه می‌یابند که قلب، تیره گشته و از درک آن نسبت بـه مراتب توحیدی، بسیار کاسته شود. توحیدباوری سبب می‌شود که خدا و منبع معنویت در ذهن و قلـب انسان، خواستگاه هستی دانسته شوند. این‌گونه، احساس او رشد پیدا می‌کند و به نیازهای معنوی خود توجه نموده و آنچه که این سنخ از نیازها را برآورده کند، ارزش می‌داند. لذا ارزش‌های والا و معنـوی،

---

۱. مصباح یزدی، ***حقوق و سیاست در قرآن***، ص ۱۳۴ ـ ۱۳۲.

۲. نوری، «عوامل و ساختار انگیزش رفتار انسان در اندیشه علامه طباطبایی»، ***روانشناسی و دین***، ش ۴۰، ص ۱۲.

۳. طباطبایی، ***اصول فلسفه و روش رئالیسم***، ج ۲، ص ۱۸۲؛ دهقانی، ***فروغ حکمت***، ج ۲، ص ۲۹۳.

۴. مصباح یزدی، ***معارف قـرآن***، ج ۳، ص۴۲۵؛ نوری، «عوامـل و سـاختار انگیـزش رفتـار انسـان در اندیشـه علامـه طباطبایی»، ***روانشناسی و دین***، ش ۴۰، ص ۸؛ طباطبایی، ***المیزان***، ج ۱، ص ۳۵۵ ـ ۳۵۴.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

از منبع توحیدباوری نشئت می گیرند و بدون توجه بـه وضـعیت توحیـدباوری و سـنجش ارزش هـای توحیدی، نمی‌توان از اعتلای ارزش‌ها سخن گفت. اما از میان مراتب توحیـدباوری، بـاور بـه ربوبیـت (هدایت) تشریعی الهی[۱] اساسی‌ترین نقش را در درک قلب از نیاز قوای نفس، غلبه ارزش‌های مـادی یا معنوی، تحریک قوه اختیار و بروز رفتارها ایفا می‌کند.[۲] نقطه کمال این باور، جایی است که به یک شناخت راسخ تبدیل شده باشد. یعنی باور قلبی و شناخت عقلی را در بر بگیرد.[۳] اما تصدیق یـا انکـار قلبی نسبت به پروردگاری بی‌نقص در هـدایت تشـریعی خلـق، جـوهر عوامـل انگیزشـی را تشـکیل می‌دهد. چه این‌که این باور، به شناختی راسخ تبدیل نشود.[۴] فراز و فرود باور قلبی نسبت بـه ربوبیـت تشریعی الهی یا تصدیق و انکار قلبی آن، چنان نقش محوری در غلبه ارزش‌هـای مـادی یـا معنـوی دارند که با تحقیق در ارزش‌ها، می‌توان به وضعیت باور فوق پی برد. به‌طـوری‌کـه غلبـه ارزش‌هـای مادی، نشانگر ضعف باور قلبی و یا انکار ربوبیت تشریعی بوده و غلبه ارزش‌های معنوی، علامت قوت باور فوق و تصدیق آن است.[۵] لذا مراد ما از باور در این تحقیق، باور قلبی است.

منظور ما از رویکرد روان‌شناختی که در این مقاله به‌کار رفته، استفاده از مفهوم ارزش بر مبنای دانش روان‌شناسی اخلاق است. طبق مطالبی که بر اساس همین رویکرد بیان شد، می‌توان تصـور روشنی از تأثیرگذاری ارزش‌ها بر سایر عوامل انگیزشی و تأثیرپذیری از آنها داشت. این رویکرد به نسبت رویکردی که مفهوم ارزش را از دانش جامعه‌شناسی اقتباس می‌کند، به جامعیت تحقیـق‌هـا کمک افزون‌تری خواهد نمود. به‌ویژه اینکه با استعانت از پیش‌فرض کلامی که به آن اشـاره شـد، می‌توان تأثیر متقابل باور به ربوبیت تشریعی الهی (خصوصاً باور قلبی از آن) و ارزش‌ها را سنجید و در وضعیت آنها تحقیق نمود. گفتیم که بدون توجه به ایـن مسـئله، نمـی‌شـود تعـالی ارزش‌هـا را بررسی کرد.

---

۱. توحیدباوری در مرتبه ربوبیت تشریعی الهی عبارت است از باور به جریان علم، حکمت و قـدرت بـی‌منتهـا، یگانـه و یکتای خداوند در هدایت انسان‌ها در امور مربوط به دیانت. این باور، ایمان به نبوت و امامـت کـه در طـول ربوبیـت تشریعی خداوند هستند را هم شامل می‌شود. (ر. ک: جوادی آملی، ***توحید در قرآن***، ص ۴۳۰ ـ ۴۲۶؛ مصباح یزدی، ***آموزش عقاید***، ص ۸۴ و ۳۸۲ ـ ۳۷۹)

۲. ر. ک: مصباح یزدی، ***حقوق و سیاست در قرآن***، ص ۱۳۴ ـ ۱۱۳؛ مصباح یزدی، ***معارف قرآن***، ج ۱، ص ۷۰ ـ ۶۴ و ج ۳، ص ۳۵۴ ـ ۳۵۲.

۳. ر. ک: خزاعی، «باور دینی، انگیزش و التزام اخلاقی»، ***الهیات تطبیقی***، ش ۱۲، ص ۸۹ ـ ۸۸.

۴. ر. ک: نوری، «عوامل و ساختار انگیزش رفتار انسان در اندیشه علامه طباطبایی»، ***روانشناسی و دین***، ش ۴۰، ص ۱۳.

۵. ر. ک: مصباح یزدی، ***معارف قرآن***، ج ۳، ص ۴۳۲ ـ ۴۲۰؛ دهقانی، ***فروغ حکمت***، ج ۲، ص ۲۹۳.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

«عدل» در لغت، نقیض «جور» و به‌معنای رساندن حق بـه صـاحب آن بـوده[۱] و منظـور از عـدالت اقتصادی، ادای حقوق مالی نسبت به صاحبان آنها و ایجـاد تـوازن اقتصـادی در جامعـه اسـت.[۲] گـاهی ممکن است که افراد، از حقوق مساوی برخوردار باشند، اما همواره این‌گونـه نیسـت. لـذا هرچنـد عـدل، شامل مساوات هم می‌شود اما رابطه مفعوم عدل با مساوات، تساوی نیست.[۳] بلکه عموم و خصوص مـن وجه است. یعنی در مواردی ممکن است که مساوات، از عدالت به دور باشد.[۴] مطابق آیین اسـلام، معیـار حق و شاخص‌های تعیین‌کننده جایگاه آن، صلاحیت افراد و ملاک خاصی است که شرع براساس مبانی خود در نظر می‌گیرد. استناد به این دو معیار نیز مقتضای عدل است. زیرا همان‌طـور کـه گفتـیم؛ عـدل به‌معنای رساندن حق، به صاحب آن اسـت. اجـرای عـدالت و تعیـین مصـداقش، زیرمجموعـه هـدایت تشریعی بوده و توحیدباوری در زمینه هدایت تشریعی و التزام به این هـدایت، خواسـتگاه حـق و مبنـای تحقق آن است.[۵] لذا بدون استعانت از ملاک‌های شرع توحیدی، نمی‌تـوان حـق و جایگـاه آن را تعیـین کرد. اجرای عدالت، رفتاری است که ارزش‌هـای متناسـب بـا خـود را در جامعـه نهادینـه مـی‌کنـد. بـا عدالت‌گستری طبق یک معیار توحیدی، ارزش‌های والای توحیدی رونق می‌یابند. اما مطابق معیارهـای مادی چون اندیشه‌های تساوی‌نگر، رواج ارزش‌های مادی و غیر متعالی را شاهد خواهیم بود.

تأثیر غلبه ارزش‌های مادی بر تبعیض اقتصادی در عصر جاهلی[۶]

غلبه ارزش‌های مادی، شاخصه اصلی جاهلیت دوران نزدیک به ظهور اسـلام در سـرزمین عـرب بـوده است.[۷] ازجمله این ارزش‌ها، برتری دادن به پدران و پسران قبیلـه،[۸] اهمیـت فـوق‌العـاده مـال‌انـدوزی و جایگاه برترِ ثروتمندان بودند.[۹] غلبه ارزش‌های مادی، اندیشه حقانیت صـاحبان برتـری مـادی را شـکل می‌داد. اندیشه‌ای که قرآن با نام «ظن جاهلی» از آن یاد می‌کند.[۱۰] یعنی برتری دادن به کسـانی کـه از

---

۱. فراهیدی، مدخل «عدل»، ***کتاب العین***، ج ۲، ص ۳۹ ـ ۳۸؛ ابن‌منظور، مدخل «عدل»، ***لسان العرب***، ج ۱۱، ص ۴۳۰.
۲. رجایی، و معلمی، «درآمدی بر مفهوم عدالت اقتصادی و شاخص‌های آن»، ***معرفت اقتصادی***، ش ۲، ص ۱۲.
۳. راغب اصفهانی، ***مفردات الفاظ القرآن***، ص ۵۵۱.
۴. مصباح یزدی، ***حقوق و سیاست در قرآن***، ص ۴۳.
۵. ر. ک: همان، ص ۸۰ و ۱۱۰ ـ ۱۰۷ و ۱۳۴ ـ ۱۲۶ و ۱۵۸.
۶. ورود به این بحث به‌دلیل نقش مقدمه‌ای که دارد، لازم است.
۷. ر. ک: بینش، ***مقایسه دو دوره جاهلیت و اسلام و علل گسترش اسلام***، ص ۲۲.
۸. آلوسی، ***بلوغ الأرب***، ج ۱، ص ۲۷۹؛ حاج حسن، ***حضارة العرب فی عصر الجاهلیة***، ص ۱۴۶.
۹. البکری الأندلسی، ***معجم ما استعجم***، ج ۲، ص ۴۴۴؛ خزعلی، ***تصویر عصر جاهلی در قرآن***، ص ۱۹۸ ـ ۱۹۳.
۱۰. ر. ک: آل‌عمران / ۱۵۴.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

ثروتِ بیشتر و شأن اجتماعی برخوردار بودند، سبب می‌گشت که آنان را بر حق بدانند. زیرا گفته می‌شد که خدا آنها را از آن جهت که بر مسیر حقیقت بوده‌اند، برتری داده است. نتیجه این اندیشه، موجب پذیرش بی‌چون‌وچرای دستورات اشراف و رؤسای قبایل می‌شد.[۱] لذا در پی اندیشه نخست، اندیشه حقانیت تشریع صاحبان برتری مادی نیز شکل می‌گرفت. این اندیشه در ابتدا به اشراف، این اجازه را می‌داد تا احکام ناعادلانه‌ای چون ربا را در مورد معاملات وضع کرده و خود از عوامل عمده اجرایی آنها باشند. توسط این رفتارها، الگوهای ناعادلانه‌ای چون غش در معاملات و کم‌فروشی، مشروع و مرسوم جلوه می‌کردند. تا جایی که اشراف (خصوصا اشراف مدینه) از این مجاری به قدرت می‌رسیدند.[۲] مردم نیز که در برابر این تفکر قیامی نمی‌کردند، تابع اشراف شده و به این بی‌عدالتی‌ها تن می‌دادند. لذا اندیشه حقانیت تشریع صاحبان برتری مادی، مبنای معاملات ناعادلانه در دوران جاهلی بود.

مطابق آنچه در بخش مفاهیم بیان کردیم باید گفت عامل غلبه ارزش‌های مادی، ضعف باور (عموماً ضعف باور قلبی) نسبت به هدایت تشریعی الهی بود. این ضعف سبب می‌شد که اعراب، هدایت الهی را دلیل اطاعت‌پذیری ندانند. این امر، موجب تیرگی قلب‌ها و غلبه ارزش‌های مادی بود. تا اینکه پس از آن، تقلید بی‌چون و چرای عرب از صاحبان برتری مادی نمایان می‌گشت.[۳] سایر عوامل تبعیض نیز از ارزش‌های مادی متأثر بودند[۴] که در ادامه مطالب بیان می‌گردند.

تفکر جبر نیز در تبعیض‌ها تأثیرگذار بود. زیرا مشرکین دستور انفاق به مستضعفین را رد کرده و می‌گفتند اگر خدا می‌خواست آنها را گرسنه نمی‌گذاشت.[۵] این تفکر نیز از برتری دادن به غلبه مادی و اندیشه حقانیت صاحبان برتری مادی تأثیر می پذیرفت. زیرا مقرّب دانستن طبقه مرفه و اشراف، تبعیض را خواست خدا جلوه می‌داد. درنتیجه مرفهین، غیرتی برای اطعام فقیران به دل راه نمی‌دادند،[۶] و طبقه ضعیف نیز برای تغییر وضعیت خویش اقدامی نمی‌کردند.

از طرفی افزایش تبعیض‌ها در ضعف باور به معاد ریشه داشت. به‌گونه‌ای که این ضعف در منع حقوق یتیمان، نمایان می‌شد. یعنی از آن جهت که باوری به روز جزا نداشتند، حقوق مسلم یتیمان را

---

۱. ر. ک: بقره / ۱۷۰؛ مائده / ۱۰۴؛ لقمان / ۲۱؛ سبا / ۴۳؛ زخرف / ۲۲.

۲. ر. ک: بقره / ۲۷۵ و ۲۷۶ و ۲۷۸؛ آل‌عمران / ۱۳۰؛ نساء / ۱۶۱؛ روم / ۳۹؛ مطففین / ۳ ـ ۱؛ واقدی، ***المغازی***، ج ۳، ص ۹۶۸ ـ ۹۶۴؛ ابن‌هشام، ***السیرة النبویة***، ج ۲، ص ۶۰۳.

۳. ر. ک: بقره / ۱۷۰؛ مائده / ۱۰۴؛ لقمان / ۲۱؛ سبا / ۴۳؛ زخرف / ۲۲.

۴. ر. ک: بینش، ***مقایسه دو دوره جاهلیت و اسلام***، ص ۲۲ و ۲۹ ـ ۲۷.

۵. یس / ۴۷؛ شهرستانی، ***الملل و النحل***، ج ۱، ص ۲۹.

۶. حاقه / ۳۴؛ ماعون / ۳.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

از آنان دریغ می‌کردند.[۱] بنیاد این ضعف باور را نیز باید در ارزش‌های مادی جستجو کـرد.[۲] وابسـتگی به دنیا، ظاهرگرایی را پدید می‌آورد و آدمی را از عقلانیت و اعتقاد به عـوالم غیـب دور مـی‌سـاخت.[۳] لذا دنیاگرایان، باور به لزوم حساب و کتاب در عالمی کامـل‌تـر را انکـار کـرده و نادیـده‌هـا را باطـل می‌شمردند.[۴] بنابراین ضعف باور به معاد، نوعی ظاهرگرایی بود. مشرکین مکه، از کـیش بـت‌پرسـتی (آیین عبادت خدایان مادی) برای رواج ظاهرگرایی بهره می‌بردند و همین آیین، بقای قدرت اقتصادی آنان را تضمین می‌کرد. لذا نفی بت‌پرستی توسط اسلام، مبنای ظاهرگرایی را زایـل کـرده و بـه ایـن طریق، بنیان برتری‌های مادی سران قبایل و بی عدالتی‌های اقتصادی را مـی‌لرزانـد.[۵] بـرای همـین، مقابله با بت‌ها خشم و دشمنی قریش را برمی‌انگیخت.[۶]

نقش باور و ارزش‌های توحیدی در جریان عدالت اقتصادی در عصر نبوی

گفتیم که غلبه ارزش‌های مادی، عامل ریشه‌ای در قدرت یافتن اشراف و تبعیض اقتصادی بود. اما با اصلاح ارزش‌ها در عصر نبوی، عامل قدرت سران عرب و زمینه تبعیض‌ها سُسـت مـی‌شـدند.[۷] زیـرا زوال ارزش‌های مادی، انگیزه مردم را در تبعیت از اشراف قبایل می‌ربود. آزار و شـکنجه مسـلمین[۸] و سه سال تحریم اجتماعی و اقتصادی بنی‌هاشم توسط قریش،[۹] این توان را داشت تا ارزش‌های مادی باقی مانده از عصر جاهلی را تحریک نماید.[۱۰] اما کمتر چنین فرصتی را می یافت. تنهـا ماهیـت پـوچ شرک بود که برای مردم هویدا می‌گشت و سبب گرایش به اسلام می‌شد.[۱۱] بـلال در حـال شـکنجه شدن، ندای توحید سَر می‌داد.[۱۲] و ابوذر غفاری با پذیرش خطر ضرب‌وشتم، از خدای واحد و رسولِ او

---

۱. ر. ک: ماعون / ۳ ـ ۱؛ طباطبایی، ***المیزان***، ج ۲۰، ص ۳۶۸.
۲. ر. ک: خزعلی، ***تصویر عصر جاهلی در قرآن***، ص ۱۷۹.
۳. ر. ک: نمل / ۶۶؛ طباطبایی، ***المیزان***، ج ۱۵، ص ۳۸۷ ـ ۳۸۶.
۴. ر. ک: ابراهیمی ورکیانی، ***تاریخ تحلیلی اسلام***، ص ۷۷.
۵. ر. ک: بلاذری، ***جمل من انساب الأشراف***، ج ۱، ص ۲۳۰؛ یعقوبی، ***تـاریخ الیعقـوبی***، ج ۲، ص ۲۴؛ طبـری، ***تـاریخ الأمم و الملوک***، ج ۲، ص ۳۲۶؛ ابن‌اثیر، ***الکامل فی التاریخ***، ج ۲، ص ۶۴.
۶. ابن‌هشام، ***السیرة النبویة***، ج ۱، ص ۲۶۴؛ ابن‌سعد، ***الطبقات الکبری***، ج ۱، ص ۱۵۸؛ پطروشفسکی، ***اسلام در ایران***، ص ۲۶.
۷. ر. ک: جعفریان، ***تاریخ سیاسی اسلام***، ص ۶۹ ـ ۶۸ و ۸۷ ـ ۸۶.
۸. ر. ک: بلاذری، ***جمل من انساب الأشراف***، ج ۱، ص ۱۹۷؛ طبری، ***تاریخ الأمم و الملوک***، ج ۲، ص ۳۲۷.
۹. ر. ک: بلاذری، ***جمل من انساب الأشراف***، ج ۱، ص ۲۳۴.
۱۰. ر. ک: پیشوایی، ***تاریخ اسلام***، ص ۱۶۵.
۱۱. ر. ک: یعقوبی، ***تاریخ الیعقوبی***، ج ۲، ص ۲۸ و ۳۲.
۱۲. ابن‌هشام، ***السیرة النبویة***، ج ۱، ص ۳۱۸.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

دم می‌زد.[۱] بنی‌هاشم نیز در برابر تحریم‌های شدید، مقاومت می‌کرد.[۲] مسلماً این اتفاقات، از ارزش‌های تعالی یافته مسلمانان تأثیر می‌پذیرفتند. اسلام، توحیدباوری و رفتار توحیدی را ارزش و عامل حقانیت می‌دانست.[۳] همچنین نشان و گواه ارزش‌های والای توحیدی چنین بود که محبت درون‌قبیله‌ای عرب، به نفع محبت درون‌دینی کنار می‌رفت. و بغض‌ها و کینه‌های بیرون‌قبیله‌ای، به دشمنی در برابر کفار تبدیل می‌گشتند.[۴]

اعتلای ارزش‌ها، به شکل‌گیری فرهنگ مواسات و برادری کمک می‌کرد. رسول اکرمﷺ در سال اول هجرت، میان مهاجر و انصار پیمان برادری برقرار نمودند.[۵] که به‌معنای زدودن اختلافات دو نژاد عرب قحطانی (عرب جنوبی) و عدنانی (عرب شمالی) بود.[۶] در حجةالوداع نیز به زدودن کینه‌های جاهلی اصرار ورزیده[۷] و بر برادری مسلمانان تأکید نمودند.[۸] فرهنگ مواسات نیز روند اجرای عدالت را تسهیل می‌نمود.[۹] لذا این امکان فراهم می‌شد تا پیامبرﷺ در اجرای حدود الهی، قاطع باشند و تفاوتی میان اقشار مختلفِ جامعه قائل نگردند.[۱۰] اما همانطور که اعتلای ارزش‌ها با واسطه ایجاد فرهنگ برادری، به اجرای عدالت کمک می‌کرد، عدالت نیز در قالب نوعی رفتار و به‌عنوان یک عامل انگیزشی، در اعتلای ارزش‌ها مؤثر بود.[۱۱] در بخش بعد به نحوه تأثیر اجرای عدالت اقتصادی بر اعتلای ارزش‌ها خواهیم پرداخت.

گفتیم که در عدالت اسلامی، آنچه معیار تعلق یک مال را تعیین می‌کند، شریعت الهی است.

---

۱. ابن‌سعد، ***الطبقات الکبری***، ج ۴، ص ۱۷۰.
۲. امام اول شیعیان، ***نهج‌البلاغه***، ن ۹، ص ۳۶۸.
۳. ر. ک: امام چهارم شیعیان، ***صحیفه سجادیه***، ص ۳۴.
۴. ر. ک: فتح / ۲۹؛ عاملی، ***المزار***، ص ۱۵؛ مجلسی، ***بحارالأنوار***، ج ۹۷، ص ۱۸۵؛ سنن قبیلگی و بسیاری از خصلت‌های عرب، همان قدر که مانعی بر سر راه گسترش اسلام بود، یک امتیاز به‌شمار می‌آمد. چه اینکه اسلام به مرور، پیوندهای قبیلگی را در خود حل می کرد. (ر. ک محمدی، ***تأثیر روش تربیتی رسول خداﷺ در گسترش اسلام***، ص ۳۶ ـ ۳۵؛ بینش، ***مقایسه دو دوره جاهلیت و اسلام و علل گسترش اسلام***، ص ۱۶۶ ـ ۱۶۵)
۵. ابن‌هشام، ***السیرة النبویة***، ج ۱، ص ۵۰۵ ـ ۵۰۴.
۶. پیشوایی، ***تاریخ اسلام***، ص ۲۰۶.
۷. واقدی، ***المغازی***، ج ۳، ص ۱۱۰۳.
۸. ابن‌هشام، ***السیرة النبویة***، ج ۲، ص ۶۰۴.
۹. ر. ک: عبدالمحمدی، و توحیدی، «نقش فرهنگ در توسعه اجتماعی با تأکید بر نقش باورها و ارزش‌های دینی (با مطالعه جامعه حجاز در عصر نبوی)»، ***زبان و فرهنگ ملل***، ش ۲، ص ۱۵۸ ـ ۱۵۵.
۱۰. برای نمونه، ر. ک: قاضی ابویوسف، و دیگران، ***الخراج***، ص ۱۵۳؛ بخاری، ***صحیح بخاری***، ج ۸، ص ۱۶۰.
۱۱. در بخش تبیین مفاهیم به روند تأثیرپذیری رفتارها از ارزش‌ها و تأثیرگذاری متقابل رفتارها بر ارزش‌ها، اشاره کردیم.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

باور عمیق به هدایت تشریعی الهی، سبب می‌گشت تا این سیاست‌های عدالت‌گستر اجرا شوند. زیرا همان‌طور که پیش از این بیان کردیم تقویت همین باور، عامل ریشه‌ای در ایجاد و رشد ارزش‌های معنوی است. لذا این باور، در عصر نبوی موجود بود. اعتقاد به نبوت و پذیرش آیین وحدانی اسلام و التزام به قوانین آن، در پرتو همین باور و متصل دانستن رسالت پیامبرﷺ به آن، نمود می‌یافتند.[۱] با شکل‌گیری باور و امید به هدایت تشریعی خداوند، غالباً قشر ضعیف و جوان از ارزش‌های مادی فاصله گرفته و در نتیجه با روحیه عدالت‌خواهی و با اختیار و اشتیاق، اسلام می‌آوردند.[۲] در بخش قبل گفتیم که دعوت به پرستش خدای یکتا و اقبال به یکتاپرستی، ارزش‌های مادی و بنیان اندیشه حقانیت صاحبان برتری مادی و حقانیت شریعت آنها را سست می‌کرد.[۳] این مسئله، از کرنش مردم در برابر نیروی برتر مادی اشراف و شریعت ناعادلانه آنها کاسته و زمینه عدالت‌خواهی و عدالت‌پذیری را در جامعه ایجاد می‌کرد. چه اینکه گرایش به یکتاپرستی به‌عنوان رکن اعمال صالح و در میان سلسه عوامل انگیزشی مرتبط با یکدیگر، ارزش‌های معنوی را باروَر می‌کرد و به این وسیله، زمینه عدالت‌خواهی را توسعه می‌بخشید.[۴] البته مردم به مددِ جهاد مسلمین با کفار و قدرت یافتن حاکمیت اسلامی، ترسی را که از قبایل برتر و قدرت‌های همسایه داشتند،[۵] زایل شده می‌یافتند و موانع از سر راه اسلام‌گرایی و اقبال ایشان به عدالت اسلامی، کنار می‌رفت. فرهنگ جهاد با مشرکین، از غلبه ارزش‌های معنوی و در واقع، از باور عمیق به هدایت تشریعی الهی متأثر بود.[۶] فرهنگی که زوال قدرت مادی سران مشرک را مقدمه برقراری حاکمیت الهی و جریان هدایت

---

۱. اعتقاد به نبوت، زیرمجموعه باور به ربوبیت تشریعی الهی است. (ر. ک: نور / ۵۴؛ ربیعی و نگارش، «رابطه ربوبیت توحیدی و عنایت الهی در نظام اندیشه قرآنی»، ***تحقیقات کلامی***، ش ۱۵، ص ۵۵)

۲. بخشی از این مطلب، مبنای گزارشی است که ابن‌سعد از روند عمومی اسلام‌گرایی در آغاز دعوت اسلامی بیان نموده. (ر. ک: ابن‌سعد، ***الطبقات الکبری***، ج ۱، ص ۱۵۶)؛ اما بخش دیگر آن براساس یک تحلیل است که می‌گوید جوانان و مستضعفین، جمعیت غالب اعراب را تشکیل می‌دادند و به‌دلیل روحیات خاص خود، کمتر به ارزش‌ها و اندیشه‌های جاهلی گرفتار می‌آمدند. لذا این جمعیت کثیر در تمامی مدت رسالت پیامبرﷺ مشتاقانه به اسلام گرایش می‌یافتند و نمی‌توان این حقیقت را به اوائل عصر نبوی محصور کرد. (ر. ک: زورق، ***شهر گمشده***، ص ۵۳۰ ـ ۵۲۶)

۳. ر. ک: بلاذری، ***جمل من انساب الأشراف***، ج ۱، ص ۲۳۰؛ یعقوبی، ***تاریخ الیعقوبی***، ج ۲، ص ۲۴؛ طبری، ***تاریخ الأمم و الملوک***، ج ۲، ص ۳۲۶؛ ابن‌اثیر، ***الکامل فی التاریخ***، ج ۲، ص ۶۴؛ پطروشفسکی، ***اسلام در ایران***، ص ۲۶.

۴. ضمن اینکه روی کردن به یکتاپرستی، بر اثر اقبال به شریعت توحیدی بوده و گواه شکل‌گیری باور به هدایت تشریعی الهی و عمل به مقتضای این باور است.

۵. ر. ک: ابن‌کثیر، ***البدایة و النهایة***، ج ۳، ص ۱۴۴.

۶. ر. ک: انفال / ۶۵؛ یعقوبی، ***تاریخ الیعقوبی***، ج ۲، ص ۴۴؛ طباطبایی، ***المیزان***، ج ۹، ص ۱۲۲.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

تشریعی خداوند می‌دانست. در اثر نبرد با جبهه شرک، قدرت برتر اقتصادی آن به چالش کشیده می‌شد. برخی از نبردها مانند سریه عبدالله بن جهش، برای بستن راه تجاری قریش صورت می‌گرفت.[۱] تا اینکه با پیروزی مسلمین در نبرد خندق، قریش به ناتوانی خود در شکست مسلمین در مدینه و نیز ناتوانی در آزادسازی مسیر تجاری شام، تن داد.[۲] درحالی که تلفات مشرکین در این نبرد، تنها سه[۳] یا هشت نفر بود.[۴] لذا از دست دادن ملاک‌های برتری مادی، اندیشه حقانیت قریش و کیش بت‌پرستی آنان را متزلزل می‌کرد و از انگیزه مشرکین در دفاع از آیین و قدرت خویش می‌کاست. درنتیجه، عامل برتری اقتصادی ایشان را به زیر می‌کشید. در نهایت، مسلمانان با فتح مکه و نبرد حنین و سپس جنگ تبوک، غلبه ظاهری قبایل عرب را نابود ساخته و قدرت امپراطوری‌های مجاور را نیز به چالش می‌کشیدند. لذا از ترس عرب نسبت به رؤسای قبایل برتری‌طلب کم شده و آزادانه، بیش‌ازپیش به‌سویِ اقتصادی عادلانه گرایش می‌یافتند[۵] و این حقیقت، زمینه‌ساز رشد تبعیت مردم از قوانین اقتصادی اسلام می‌شد. بنابراین جهاد با کفار به‌تدریج و به سه شکل، جریان عدالت اقتصادی را هموار می‌کرد:

۱. با سست کردن پایه‌های ارزشی و شناختی که زمینه‌ساز تبعیض اقتصادی بودند.

۲. عملاً با زایل نمودن قدرت برتر و بلامنازع اقتصادی اشراف.

۳. با زایل نمودن ترس مردم به‌عنوان مانع اقبالِ آنان به آیین عدالت‌گستر اسلام.

خلاصه اینکه به‌دلیل وجود باور به هدایت تشریعی الهی، تئوری‌های عدالت‌گستر اسلام مبنی بر فقرزدایی و عطای حقوق زنان و یتیمان، عملی می‌گشتند.[۶] مطمئناً این نتیجه در پاره‌ای از اوقات می‌توانست، مستقیماً و بدون‌واسطه ارزش‌ها اتفاق بیفتد. هرچند به نظر می‌رسد که غالباً با واسطه تغییر ارزش‌ها بود. مثلاً وقتی ارزش‌های مادی زایل می‌شدند، گرایش‌های افراطی به کسب موقعیت برتر مادی کاهش یافته و امکان مبارزه پیامبر اکرمﷺ با سبک‌هایی از معاملات مانند کم‌فروشی و

---

۱. ر. ک: ابن‌هشام، ***السیرة النبویة***، ج ۲، ص ۵۰؛ طبری، ***تاریخ الأمم و الملوک***، ج ۲، ص ۴۱۰؛ ابن‌کثیر، ***البدایة و النهایة***، ج ۳، ص ۱۴.

۲. ر. ک: پیشوایی، ***تاریخ اسلام***، ص ۲۵۷.

۳. واقدی، ***المغازی***، ج ۲، ص ۴۹۶.

۴. یعقوبی، ***تاریخ الیعقوبی***، ج ۲، ص ۵۱.

۵. ر. ک: واقدی، ***المغازی***، ج ۳، ص ۹۶۸ ـ ۹۶۴؛ ابن‌هشام، ***السیرة النبویة***، ج ۲، ص ۵۵۹؛ پیشوایی، ***تاریخ اسلام***، ص ۲۹۸؛ جعفریان، ***تاریخ سیاسی اسلام***، ص ۲۵۶.

۶. ر. ک: نساء (۴) ۴ ـ ۲ و ۱۹ و ۲۲؛ ابن‌هشام، ***السیرة النبویة***، ج ۲، ص ۶۰۴؛ طبری، ***جامع البیان***، ج ۸، ص ۱۰۸؛ طباطبایی، ***المیزان***، ج ۴، ص ۱۳۵ ـ ۱۳۴.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

ربا که از گرایشِ گفته شده ریشه می‌گرفتند،[۱] فراهم می‌آمد.[۲] بنابراین باور به هدایت تشریعی خدا، در پذیرش برنامه‌های عدالت گستر اسلام تأثیر مستقیم و با واسطه داشت.

نقش عدالت اقتصادی در تعالی باور و ارزش‌های توحیدی عصر نبوی

گفتیم که جریان عدالت اقتصادی و اقبال به آن، از باور به هدایت تشریعی الهی متأثر می‌شد. اما سیاست‌های نهادینه‌کننده عدالت اقتصادی نیز به دو طریق زیر، در تقویت این باور مؤثر بودند:

۱. مالکیت اموال و مدیریت آن، نزد خدا و رسولش ﷺ بود.[۳] برای نمونه، پیامبر ﷺ مسلمانان را مأمور می‌کردند تا تمامی غنایم جنگی را به ایشان تحویل دهند، و امتناع از این عمل را غارت و دزدی پنهان می‌دانستند.[۴] غنیمت در شریعت اسلام و سیره رسول خدا ﷺ به‌عنوان هدیه الهی شناخته می‌شد، نه مالی که با غلبه به‌دست آمده باشد و پاداش جنگجویان محسوب گردد.[۵]

۲. تقسیم اموال، طبق فرامین الهی و با تدبیر و صلاحدید پیامبر اکرم ﷺ انجام می‌شد[۶] و در برخی موارد، به طریق مساوات بود. مثلاً در نبرد بدر، غنایم حاصل از جنگ را به شکل مساوی میان مسلمین تقسیم نمودند.[۷] همچنین معیار این تقسیمِ مساوی از غنایم جنگی، تنها حضور در جبهه نبرد نبود. برای نمونه، در همان نبرد برای عثمان بن عفان نیز که به عُذر پرستاری از خانواده خود در مدینه مانده بود، سهمی برابر سهم رزمندگان قرار دادند.[۸] و نیز پس از فتح خیبر، به جعفر بن ابی‌طالب و همراهانش که از دیار حبشه بازمی‌گشتند، سهمی برابر سهم رزمندگان عطا فرمودند.[۹] این شیوه، بر اساس اهمیت تقسیم مساوی نبود. زیرا همانطور که در ادامه مطالب بیان می‌گردد؛ سیره نبوی در عدالت اقتصادی، همواره به شکل مساوات جلوه نمی‌کرد. بلکه مبنای این شیوه را

---

۱. ر. ک: طباطبایی، ***المیزان***، ج ۲، ص ۴۰۹؛ صفری، ***نقش امام علی ؑ در زمان خلفای سه‌گانه (۱۱ ـ ۳۵ ق)***، ص ۴۲.

۲. ر. ک: بقره / ۲۷۹ ـ ۲۷۵؛ آل‌عمران / ۱۳۰؛ نساء / ۱۶۱؛ روم / ۳۹؛ مطففین / ۳ ـ ۱ و ۶ ـ ۴؛ واقدی، ***المغازی***، ج ۳، ص ۹۶۸ ـ ۹۶۴؛ ابن‌هشام، ***السیرة النبویة***، ج ۲، ص ۶۰۳.

۳. ر. ک: واقدی، ***المغازی***، ج ۱، ص ۹۸؛ کلینی، ***الکافی***، ج ۱، ص ۴۰۶؛ متقی هندی، ***کنز العمال***، ج ۱۱، ص ۱۴؛ طباطبایی، ***المیزان***، ج ۹، ص ۱۰.

۴. دارمی، ***سنن الدارمی***، ج ۳، ص ۱۶۱۸، ح ۲۵۳۳؛ بخاری، ***صحیح بخاری***، ج ۹، ص ۴، ح ۶۸۷۳؛ ابن‌اثیر، ***أسد الغابه***، ج ۱، ص ۲۹۱.

۵. ر. ک: عسگری، ***معالم المدرستین***، ج ۲، ص ۱۰۳ و ۱۱۰ ـ ۱۰۷.

۶. ر. ک: واقدی، ***المغازی***، ج ۱، ص ۹۸؛ طباطبایی، ***المیزان***، ج ۹، ص ۱۰.

۷. واقدی، ***المغازی***، ج ۱، ص ۹۹؛ ابن‌هشام، ***السیرة النبویة***، ج ۱، ص ۶۴۳ ـ ۶۴۲ و ۶۶۷.

۸. ابن‌سعد، ***الطبقات الکبری***، ج ۳، ص ۴۱.

۹. بخاری، ***صحیح بخاری***، ج ۴، ص ۹۰.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

باید در نکته‌ای که پیش از این عرض کردیم جستجو نمود. یعنی مالکیت اصلی غنایم و بیت‌المال، با خدا و رسولش ﷺ بود. مطابق فرهنگ اسلام عصر نبوی؛ غنیمت، مالی نبود که با غلبه به‌دست آمده و تنها پاداش جنگجویان باشد. پیامبر اسلام ﷺ در پی آن بودند که کسب غنیمت، ارزش نباشد. بلکه جهاد با کفار و استقامت در برابر آنان حتی با حضور فیزیکی نداشتن در نبرد، اهمیت یابد و غنیمت پاداشِ آن شود. اگر تمامی مسلمانان (اعم از حاضران در نبرد و غایبان) صلاحیت می‌یافتند و نیاز برابری به آن اموال داشتند، به شکل مساوی بین‌شان تقسیم می‌گشت. و اگر چنین نبود یا تنها نیاز از جانب یک طیف خاص مشاهده می‌شد، بخشی از بیت‌المال فقط در اختیار آنان قرار می‌گرفت یا در جهت رفع نیازشان خرج می‌شد. مثلاً راهکار پرداخت بدهی مسلمانی که از دنیا رفته و مالی از خود باقی نگذاشته و یا راهکار تهیه مخارج بازماندگان بی‌سرپرست، رجوع به صندوق بیت‌المال بود که بایست تحت‌ولایت رسول اکرم ﷺ انجام می‌گرفت.[۱] لذا هرچند برخی به اشتباه، به جای سخن کردن از مفهوم عدالت اسلامی، مساوات را به‌عنوان اصل اساسی مسائل اجتماعی، تلقی کرده‌اند.[۲] اما بخش‌هایی از سیره نبوی در عدالت اقتصادی، خلاف این فرض را بیان می‌کنند. برای نمونه، رسول خدا ﷺ غنایم حاصل از غزوه بنی‌نضیر را میان مهاجرین و دو نفر نیازمند از انصار، تقسیم نمودند.[۳] این اقدام، سیاستی فَقر زُدا بود و عدالت اقتصادی را پیاده می‌کرد.[۴] البته انصار به پیمان برادری خود، وفادار مانده و از غنایم جنگ با بنی‌نضیر صرف نظر می‌کردند تا مهاجرین بهره‌ای ببرند. مواسات و بخشش انصار، سپاس و تقدیر مهاجرین را بر می‌انگیخت و مورد تمجید وحی قرار می‌گرفت.[۵] همچنین رسول اکرم ﷺ در پاره‌ای موارد به حسب مصلحت، مانند جلب قلوب رؤسای قریش، سهم برخی را بیشتر قرار داده[۶] و یا سهم سواره را دو برابر سهم پیاده عطا می‌کردند.[۷]

اما عدالت اقتصادی به دو طریق گفته شده، چگونه باورِ موجود به هدایت تشریعی الهی را تقویت می کرد؟ با قرار دادن مالکیت اموال، نزد خدا و رسول او و با تقسیم اموال بر طبق دستورات الهی و

---

۱. ر. ک: کلینی، ***الکافی***، ج ۱، ص ۴۰۶؛ متقی هندی، ***کنز العمال***، ج ۱۱، ص ۱۴.
۲. ر. ک: شهیدی، ***تاریخ تحلیلی اسلام***، ص ۱۳۳.
۳. یعقوبی، ***تاریخ الیعقوبی***، ج ۲، ص ۴۹.
۴. ر. ک: سلیمانی، ***تاریخ تحلیلی اسلام***، ص ۶۳.
۵. حشر / ۹؛ واقدی، ***المغازی***، ج ۱، ص ۳۷۹؛ ابن‌کثیر، ***البدایة و النهایة***، ج ۳، ص ۲۲۸.
۶. ابن‌هشام، ***السیرة النبویة***، ج ۲، ص ۴۹۷.
۷. بخاری، ***صحیح بخاری***، ج ۵، ص ۱۳۶.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

صلاحدید نبی‌اکرمﷺ، ضرورت باور به هدایت تشریعی خداوند و لـزوم تمسـک بـه مقتضـای ایـن هدایت، مورد توجه قلب‌ها و ذهن‌ها قرار می‌گرفت. لذا عدالت اقتصادی در عصر نبوی با تأکیدی کـه بر باور فوق داشت، می‌توانست ارزش‌های متناسب با این باور را در جامعه رونق ببخشد.[۱]

این ارزش‌ها مهم‌ترین نیرو را برای تقویت بنیان حاکمیت توحیدی فـراهم مـی‌کردنـد. همچنـین عدالت اقتصادی با امیدوار ساختن مردم، سبب اقبال بیشتر به هدایت تشریعی خداوند بود. مردم نیز بر همین اساس، رسالت نبوی را در طول این هدایت و متصل به آن مـی‌شـمردند. ایـن عامـل، تقویـت بنیان حکومت اسلامی را رقم می‌زد. این عوامل، در اطاعت‌ورزی و رشد رفتارهای عبادی مؤثر بودند[۲] و از این طریق در قالب سلسله عوامل انگیزشی مرتبط با هم و تأثیرگذار بر ارزش‌ها، به تعالی بیشـتر ارزش‌ها یاری می‌رساندند.[۳]

در ابتدای این بخش، به پاره‌ای از ارزش‌های متعالی و علائم آن اشـاره کـردیم. در تحقیقـات مرتبط، پیرامون این ارزش‌ها بحث شده[۴] و نیازی به طولانی نمودن سخن نیسـت. گـواه اعـتلای ارزش‌ها، شجاعت و استقامتی است که مسلمین در نبردهـا بـه خـرج مـی‌دادنـد.[۵] هرچنـد روحیـه پایداری آنان پس از نبرد بدر، کاهش می‌یافت.[۶] اما با وجود نقاط ضعفی چون فرار از پیکار احـد[۷] و حنین،[۸] عزم و اراده جهادی مسلمین را تا پایان نبرد تبوک می‌توان دید.[۹] باور به هـدایت تشـریعی الهی و ارزش‌ها در این عصر، متحمل آسیب‌هایی که غالباً از سوی جریان نفاق شکل می‌گرفتند[۱۰] نیز بوده‌اند. اما مسلماً همین مقدار از ارزش‌های متعالی که بخشی از وضعیت فرهنگی این عصر را تشکیل می‌دادند، تأثیر قابل‌توجهی را از جانب اجرای عدالت اقتصادی و سیاست‌های نهادینه‌کننده آن، پذیرا می‌شدند.

---

۱. درحالی که مساوات، از چنین قابلیتی برخوردار نیست.

۲. ر. ک: خامنه‌ای، ***انسان ۲۵۰ ساله***، ص ۳۳.

۳. رفتارها، از عوامل انگیزشی هستند که به‌واسطه شکل‌دهی ارزش‌ها، مجـدداً بـر رفتارهـا تـأثیر مـی‌گذارنـد. (ر. ک: طباطبایی، ***المیزان***، ج ۱، ص ۳۵۵ ـ ۳۵۴).

۴. برای نمونه، ر. ک: سلیمانی، ***تاریخ تحلیلی اسلام***، ص ۶۱ ـ ۵۸.

۵. ر. ک: انفال / ۶۵؛ یعقوبی، ***تاریخ الیعقوبی***، ج ۲، ص ۴۴؛ طباطبایی، ***المیزان***، ج ۹، ص ۱۲۲.

۶. انفال / ۶۶؛ طباطبایی، ***المیزان***، ج ۹، ص ۱۲۵ ـ ۱۲۳.

۷. ر. ک: آل‌عمران / ۱۵۲؛ ابن‌سعد، ***الطبقات الکبری***، ج ۲، ص ۳۲.

۸. توبه / ۲۵؛ واقدی، ***المغازی***، ج ۳، ص ۹۰۴.

۹. ر. ک: واقدی، ***المغازی***، ج ۳، ص ۹۹۱ ـ ۹۹۰؛ طبری، ***تاریخ الأمم و الملوک***، ج ۳، ص ۱۰۱.

۱۰. مصباح یزدی، ***آذرخشی دیگر از آسمان کربلا***، ص ۵۴ ـ ۵۳.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

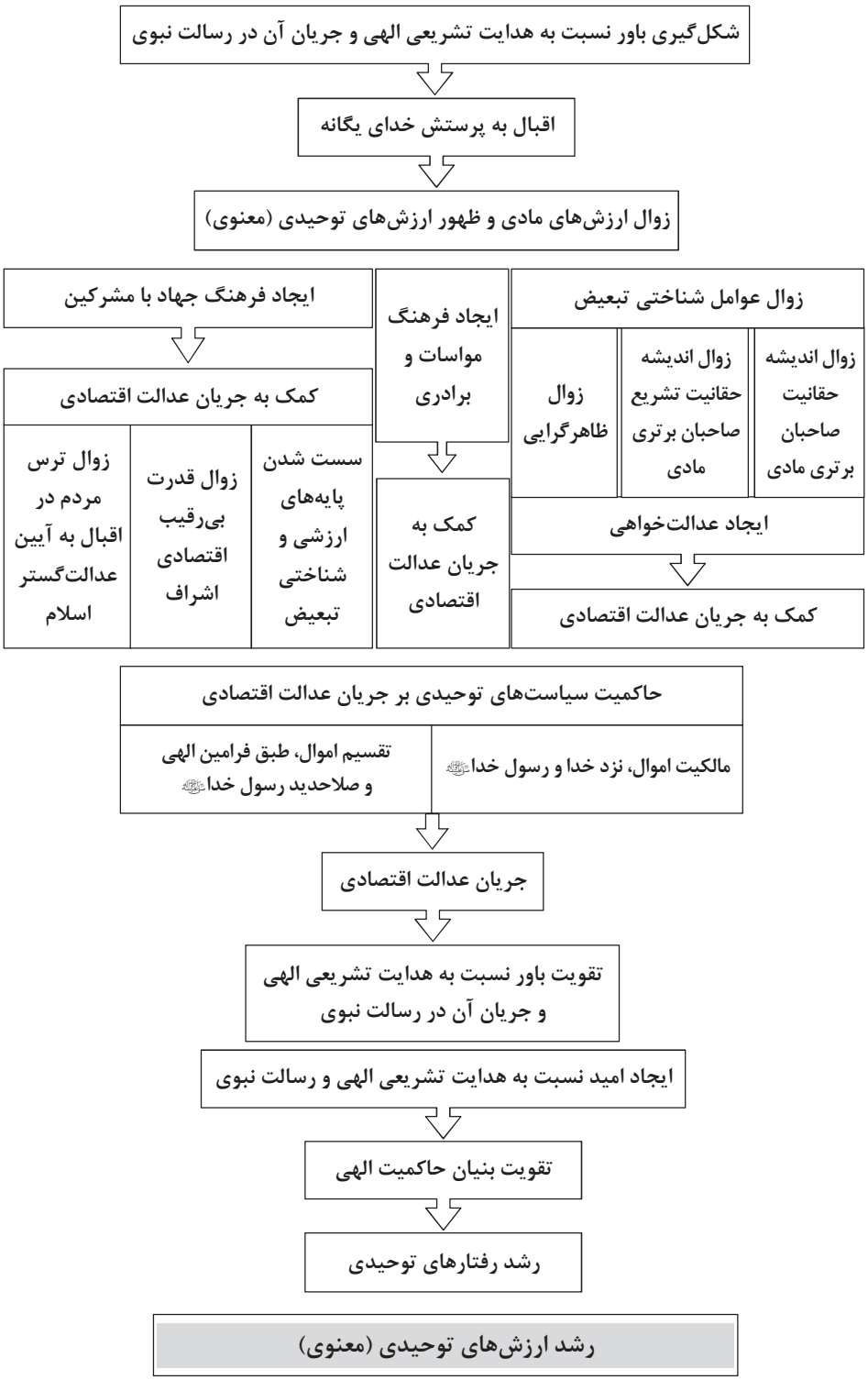

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

نتیجه

رویارویی مردم با رسالت توحیدی نبی‌مکرم اسلامﷺ و اقبال به آن، باور به هدایت تشریعی الهی را در قلب‌ها روشن می‌کرد. به این طریق با زنگارزدایی از قلوب، ارزش‌های توحیدی ایجاد می‌شدند. این ارزش‌ها، موجب اقبال مردم به عدالت و سیاست‌های عدالت پیشه اسلام بودند و به جریان عدالت اقتصادی، یاری می‌رساندند. اما سیاست‌های اسلام در اجرای عدالت اقتصادی، موجب تقویت باورِ فوق شده و از این طریق، ارزش‌های توحیدی را رشد می‌دادند. نیز عدالت اقتصادی با ایجاد امید نسبت به هدایت تشریعی الهی و رسالت نبوی، بنیان حاکمیت اسلامی را تقویت می کرد و رفتارهای توحیدی را رونق می‌بخشید. این رفتارها نیز سبب رشد ارزش‌های معنوی بوده‌اند. عدالت اقتصادی چون از باور و ارزش‌های توحیدی متأثر می‌شد و توحیدباوری را ارتقا می‌بخشید، توان بالایی در تعالی ارزش‌ها داشت.

منابع و مآخذ

۱. ***قرآن کریم***.

۲. ***نهج‌البلاغه***، تحقیق سید رضی، تصحیح صبحی صالح، قم، مؤسسة دار الهجرة، ١٤١٤ ق.

۳. آلوسی، محمود شکری، ***بلوغ الأرب فی معرفة احوال العرب***، ج ۳ ـ ۱، تصحیح محمد بهجة الأثری، بیروت، دار الکتب العلمیة، بی‌تا.

٤. ابراهیمی ورکیانی، محمد، ***تاریخ تحلیلی اسلام از آغاز تا واقعه طف***، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۰ ش.

٥. ابن‌اثیر، علی بن محمد، ***أسد الغابة فی معرفة الصحابة***، ج ٦ ـ ۱، بیروت، دار الفکر، ١٤٠٩ ق.

٦. ابن‌اثیر، علی بن محمد، ***الکامل فی التاریخ***، ج ۱۳ ـ ۱، بیروت، دار صادر، چ ۱، ۱۳۸۵ ق.

۷. ابن‌سعد، محمد، ***الطبقات الکبری***، ج ۸ ـ ۱، تحقیق محمد عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، چ ۱، ١٤١٠ ق.

۸. ابن‌کثیر، اسماعیل بن عمر، ***البدایة و النهایة***، ج ۱۵ ـ ۱، بیروت، دارالفکر، ١٤٠٧ ق.

۹. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، ***لسان العرب***، ج ۱۵ ـ ۱، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چ ۳، ١٤١٤ ق.

۱۰. ابن‌هشام، عبدالملک، ***السیرة النبویة***، ج ۲ ـ ۱، تحقیق مصطفی السقا و دیگران، بیروت، دار المعرفة، بی‌تا.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۱۱. امام چهارم شیعیان، علی بن الحسین علیه‌السلام، ***صحیفه سجادیه***، قم، الهادی، چ ۱، ۱۳۷٦ ش.

۱۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، ***صحیح بخاری***، ج ۹ ـ ۱، تحقیق محمد زهیر بن ناصر الناصر، بیروت، دار طوق النجاه، چ ۱، ۱٤۲۲ ق.

۱۳. البکری الأندلسی، أبوعبید عبدالله بن عبدالعزیز، ***معجم ما استعجم من أسماء البلاد و المواضع***، ج ٤ ـ ۱، بیروت، عالم الکتب، چ ۳، ۱٤۰۳ ق.

۱٤. بلاذری، أحمد بن یحیی، ***جمل من انساب الأشراف***، ج ۱۳ ـ ۱، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر، چ ۱، ۱٤۱۷ ق.

۱۵. بینش، عبدالحسین، ***مقایسه دو دوره جاهلیت و اسلام و علل گسترش اسلام***، بی‌جا، اداره آموزش‌های عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، چ ۱، ۱۳۷۵ ش.

۱٦. پطروشفسکی، ایلیاپاولویچ، ***اسلام در ایران (از هجرت تا پایان قرن نهم هجری)***، ترجمه کریم کشاورز، تهران، پیام، چ ۷، ۱۳٦۳ ش.

۱۷. پیشوایی، مهدی، ***تاریخ اسلام (از جاهلیت تا رحلت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله)***، قم، دفتر نشر معارف، چ ۳۷، ۱۳۹۷ ش.

۱۸. جعفریان، رسول، ***تاریخ سیاسی اسلام تا سال چهلم هجری***، قم، مؤسسه در راه حق، چ ۱، ۱۳٦٦ ش.

۱۹. جوادی آملی، عبدالله، ***توحید در قرآن***، تنظیم حیدرعلی ایوبی و ویرایش حسین شفیعی، قم، اسراء، چ ۱، ۱۳۸۳ ش.

۲۰. حاج حسن، حسین، ***حضارة العرب فی عصر الجاهلیة***، بیروت، الموسسة الجامعیة للدراسات و النشر و التوزیع، چ ۲، ۱٤۰۹ ق.

۲۱. خامنه‌ای، سید علی، ***انسان ۲۵۰ ساله***، تهران، موسسه ایمان جهادی، چ ٤، ۱۳۹۰ ش.

۲۲. خزاعی، زهرا، «باور دینی، انگیزش و التزام اخلاقی»، ***الهیات تطبیقی***، ش ۱۲، ص ۹۸ ـ ۸۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۳ ش.

۲۳. خزعلی، انسیه، ***تصویر عصر جاهلی در قرآن***، تهران، امیرکبیر، چ ۱، ۱۳۸۷ ش.

۲٤. دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن، ***سنن الدارمی***، ج ٤ ـ ۱، تحقیق حسین سلیم دارانی، ریاض، دار المغنی، چ ۱، ۱٤۲۱ ق.

۲۵. دهقانی، محسن، ***فروغ حکمت*** (ترجمه و شرح نهایة الحکمه سید محمد حسین طباطبایی)، ج ۳ ـ ۱، قم، مؤسسه بوستان کتاب (دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۸ ش.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۲۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ***مفردات الفاظ القرآن***، تحقیق صفوان عدنان داوودی، دمشق، دار القلم، ۱٤۱۲ق.

۲۷. ربیعی، یدالله و حمید نگارش، «رابطه ربوبیت توحیدی و عنایت الهی در نظام اندیشه قرآنی»، ***تحقیقات کلامی***، ش ۱۵، ص ٦۰ ـ ٤۵، زمستان ۱۳۹۵ ش.

۲۸. رجایی، سید محمدکاظم و سید مهدی معلمی، «درآمدی بر مفهوم عدالت اقتصادی و شاخص‌های آن»، ***معرفت اقتصادی***، س ۲، ش ۲، پ ٤، ص ۳۰ ـ ۵، بهار و تابستان ۱۳۹۰ ش.

۲۹. رضوانی، علی، ***نظام اولویت‌بندی و سلسله مراتب ارزش‌های اخلاقی در قرآن***، قم، دانشگاه معارف اسلامی، ۱۳۹۳ ش.

۳۰. زورق، محمد حسن، ***شهر گمشده «فاطمه چه گفت...؟ مدینه چه شد...؟»***، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ ٦، ۱۳۹۰ ش.

۳۱. سلیمانی، جواد، ***تاریخ تحلیلی اسلام (از عصر جاهلی تا عصر عاشورا)***، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ ۲، ۱۳۹۱ ش.

۳۲. شهرستانی، محمد بن عبد الکریم، ***الملل و النحل***، ج ۲ ـ ۱، تحقیق محمد بدران، قم، الشریف الرضی، چ ۳، ۱۳٦٤ ش.

۳۳. شهیدی، سید جعفر، ***تاریخ تحلیلی اسلام***، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چ ٤۹، ۱۳۹۲ ش.

۳٤. صفری، ابراهیم، ***نقش امام علی علیه‌السلام در زمان خلفای سه‌گانه (۱۱ ــ ۳۵ ق)***، شیراز، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۸ ش.

۳۵. طباطبایی، سید محمدحسین، ***اصول فلسفه و روش رئالیسم***، ج ۵ ـ ۱، مقدمه و پاورقی از مرتضی مطهری، تهران، صدرا، چ ۲، ۱۳٦٤ ش.

۳٦. طباطبایی، سید محمدحسین، ***المیزان فی تفسیر القرآن***، ج ۲۰ ـ ۱، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۵، ۱٤۱۷ق.

۳۷. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، ***تاریخ الأمم و الملوک***، ج ۱۱ ـ ۱، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، چ ۲، ۱۳۸۷ ق.

۳۸. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، ***تفسیر طبری*** (جامع البیان فی تأویل القرآن)، ج ۲٤ ـ ۱، تحقیق أحمد محمد شاکر، بیروت، مؤسسة الرساله، چ ۱، ۱٤۲۰ ق.

۳۹. عاملی (شهید اوّل)، شمس‌الدین محمد، ***المزار***، قم، مؤسسه امام مهدی، چ ۱، ۱٤۱۰ ق.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۴۰. عبدالمحمدی، حسین و محمدعلی توحیدی، «نقش فرهنگ در توسعه اجتماعی با تأکید بر نقش باورها و ارزش های دینی (با مطالعه جامعه حجاز در عصر نبوی)»، ***زبان و فرهنگ ملل***، س ۲، ش ۳، ص ۱۶۸ ـ ۱۴۳، بهار و تابستان ۱۳۹۸ ش.

۴۱. عسگری، سید مرتضی، ***معالم المدرستین***، ج ۳ ـ ۱، تهران، مؤسسة البعثة، چ ٤، ۱٤۱۲ ق.

۴۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، ***کتاب العین***، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، ج ۹ ـ ۱، قم، مؤسسة دار الهجره، چ ۲، ۱٤۰۹ ق.

۴۳. قاضی ابویوسف، یعقوب بن ابراهیم و دیگران، ***الخراج***، تصحیح عبدالله محمد صدیق و احمد محمد شاکر، بیروت، دار المعرفة، چ ۱، ۱۳۹۹ ق.

٤٤. کلینی، محمد بن یعقوب، ***الکافی***، ج ۸ ـ ۱، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چ ٤، ۱۳٦٥ ش.

٤٥. کوئن، بروس، ***مبانی جامعه‌شناسی***، ترجمه و اقتباس غلام عباس توسلی و رضا فاضل، تهران، سمت، چ ۲، ۱۳۸۷ ش.

٤٦. متقی هندی، علی بن حسام‌الدین، ***کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال***، ج ۱۸ ـ ۱، تصحیح بکری حیانی و صفوة سقا، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱٤۰۹ ق.

٤۷. مجلسی، محمدباقر، ***بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمه الأطهار***علیهم‌السلام، ج ۱۰۷ ـ ۱، تهران، اسلامیه، چ ۲، ۱۳٦۳ ش.

٤۸. محلوجی، زهره، ***باز مرجعیت باورها و ارزش‌های جاهلی در سه دهه اول پس از رحلت رسول خدا***صلی‌الله‌علیه‌وآله، قم، دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام، ۱۳۸۹ ش.

٤۹. محمدی، محمد، ***تأثیر روش تربیتی رسول خدا***صلی‌الله‌علیه‌وآله ***در گسترش اسلام***، قم، دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام، ۱۳۹۲ ش.

۵۰. مصباح یزدی، محمدتقی، ***آذرخشی دیگر از آسمان کربلا***، ویرایش محمود پاک روان، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ ۱۰، تابستان ۱۳۸۲ ش.

۵۱. مصباح یزدی، محمدتقی، ***آموزش عقاید***، تهران، انتشارات امیرکبیر، چ ۱۷، بهار ۱۳۸٤ ش.

۵۲. مصباح یزدی، محمدتقی، ***حقوق و سیاست در قرآن***، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ ٤، ۱۳۹۱ ش.

۵۳. مصباح یزدی، محمدتقی، ***معارف قرآن***، ج ۳ ـ ۱، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ ٤، ۱۳۹۱ ش.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

٥٤. نوری، نجیب‌الله، «عوامل و ساختار انگیزش رفتار انسان در اندیشه علامه طباطبایی»، ***روانشناسی و دین***، ش ٤٠، ص ٢٢ ـ ٥، زمستان ١٣٩٦ ش.

٥٥. واقدی، محمد بن عمر، ***المغازی***، ج ٣ ـ ١، تحقیق مارسدن جونس، بیروت، مؤسسه الأعلمی، چ ٣، ١٤٠٩ ق.

٥٦. یعقوبی، احمد بن اسحاق، ***تاریخ الیعقوبی***، ج ٢ ـ ١، بیروت، دار صادر، چ ١، بی‌تا.

Archive of SID.ir